

## چکیده

فروپاشی شوروی به ظهور کشورهای از جمله فدراسیون روسیه در نظام بین الملل منجر شد که با مسئله انطباق با واقعیت های جدید، بازتعریف جایگاه و بازبینی رویکردهای سیاست خارجی خود در هر دو محیط داخلی و خارجی مواجه شدند. روسیه پس از فروپاشی اتحاد شوروی دچار تشتت و آشفتگی اوضاع داخلی و خارجی گردید. تعدد بازیگران و نهادهای دخیل با کارکردها و وظایف هم پوشان و فقدان مکانیسم کنترل و هماهنگی شاخص این دوره بود. یوروآتلانتیسم گفتمان سیاست خارجی دهه ۱۹۹۰ روسیه بود. سیاست خارجی روسیه تا اواخر دهه ۱۹۹۰ در منطقه خاورمیانه نیز به شرایط دوگانگی و انفعال دچار بود. مسکو طی این دوران با واقعیت های جدیدی مواجه بود که نقش و جایگاهش در نظام بین الملل را از گذشته متمایز می ساخت. بر آمدن یک نظام تک قطبی با الزامات ساختاری خاص خود در سطح نظام بین الملل، تحدید حدود و مرزهای روسیه و به عقب رانده شدن نفوذ روس ها تا مرزهای خود پس از دویست سال سیطره بر اروپای شرقی و خارج نزدیک در دوره های امپراتوری تزاری و امپراتوری اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی، گسترش ناتو به شرق و طرح الزاماتی برای نفوذ روس ها در نواحی مذکور و... از آن جمله بود. این شرایط تا برآمدن ولادیمیر پوتین روس ها را نگران آینده این ضعف و انفعال برای حاکمیت و قدرت دیرینه خود می ساخت. «از آغاز ریاست جمهوری پوتین تحولی مثبت در سیاست خارجی روسیه، از آرمان گرایی به واقع گرایی، از بی ثباتی به ثبات نسبی و از رهیافت های غیر عقلایی به عقلایی صورت پذیرفت». پوتین، در خصوص رویکرد جدید روسیه به خاورمیانه می گوید: روسیه یک قدرت بزرگ جهانی است و نمی تواند نسبت به تحولات مهم عرصه بین الملل بی اعتنا باشد. کشورهای خاورمیانه و جهان اسلام شرکای اقتصادی، همکاران حوزه انرژی و مشتریان سخت افزارهای نظامی روسیه هستند و روسیه مایل است در معاملات این منطقه نقش برجسته تری ایفا کند». روسیه در دوران پوتین در مواجهه با تحدید حدود نفوذ و قدرت خود توسط یک جانبه گرایی آمریکا راهبرد چند جانبه گرایی را در پیش گرفت. افزایش و تقویت توانمندی های داخلی روسیه منجر به تغییر راهبردهای مسکو در دوران پوتین گردید، پوتین با نگرش اوراسیا گرایانه حفظ توازن در روابط با شرق و غرب را پی گرفت؛ این در حالی بود که روسیه علاوه بر گسترش همکاری های منطقه ای و بین المللی در حوزه های مختلف نظامی، سیاسی و اقتصادی به تقویت دوباره نیروی نظامی و استراتژیک خود مبادرت نمود.

# فهرست مطالب

صفحه

عنوان

## فصل اول : کلیات

۲	بیان مسئله.....
۸	سوال تحقیق.....
۸	فرضیه تحقیق.....
۹	پیشینه موضوع.....
۱۲	اهداف تحقیق.....
۱۲	روش تحقیق.....
۱۳	تعریف مفاهیم.....
۱۷	سازمان دهی پژوهش.....

## فصل دوم : چارچوب نظری

۲۰	۱- نظریه و تحلیل سیاست خارجی.....
۲۰	۲- واقع گرایی.....
۲۲	۳- ژئوپولیتیک.....
۲۶	۴- نوواقع گرایی.....
۳۲	۴-۱- ساختار نظام بین الملل.....

## فصل سوم : عوامل تعیین کننده سیاست خارجی روسیه در دوران پوتین

### عوامل اقتصادی

۴۳	۱-۱- اصلاح اقتصاد و افزایش سرمایه داخلی.....
۴۶	۱-۲- تحکیم قدرت مرکزی و مبارزه با الیگارشی.....
۴۷	۱-۳- تحولات عمده اقتصادی.....

## عوامل اجتماعی

- ۲-۱- احزاب و گروه های اجتماعی ..... ۵۰
- ۲-۲- وسایل ارتباط جمعی و رسانه ها ..... ۵۱
- ۲-۳- فرهنگ سیاسی در روسیه ..... ۵۲
- ۲-۴- دموگرافی یا عوامل جمعیت شناختی ..... ۵۵
- ۲-۴-۱- کاهش جمعیت روسیه ..... ۵۶
- ۲-۴-۲- اثرات کاهش جمعیت ..... ۵۹

## عوامل سیاسی

- ۳-۱- سیاست و حکومت در فدراسیون روسیه ..... ۶۰
- ۳-۲- پوتین و تمرکز قدرت در ساختار سیاسی ..... ۶۱
- ۳-۳- اوراسیاگرایی و سیاست خارجی روسیه در دوران پوتین ..... ۶۵
- الزامات ساختار نظام بین المللی ..... ۶۷
- جمعبندی ..... ۷۲

## فصل چهارم : منافع و اهداف اقتصادی روسیه در خاورمیانه

- ۱- وضعیت اقتصادی روسیه ..... ۷۴
- ۲- تسلیحات و تکنولوژی هسته ای ..... ۸۰
- ۲-۱- ایران ..... ۸۹
- ۲-۲- سوریه ..... ۹۲
- ۲-۳- اسرائیل ..... ۹۶
- ۳- صنعت هسته ای ..... ۹۸
- ۴- خاورمیانه و سیاست انرژی روسیه ..... ۹۹
- جمعبندی ..... ۱۲۴

## فصل پنجم : مقابله با نفوذ اسلام گرایی در خارج نزدیک

- ۱- نگرانی امنیتی روسیه از گسترش اسلام گرایی ..... ۱۲۷
- ۱-۱- اسلام گرایی در چین ..... ۱۲۹

- ۱-۲- پوتین و مقابله با اسلامگرایان چچن ..... ۱۳۴
- ۱-۳- راهبرد چند جانبه گرایی و مبارزه با تروریسم ..... ۱۳۸
- ۲- ایران و منازعه در چچن ..... ۱۴۴
- جمعبندی ..... ۱۴۶

### فصل ششم : مقابله با یکجانبه گرایی آمریکا در خاورمیانه

- ۱- یکجانبه گرایی در سیاست خارجی آمریکا ..... ۱۴۹
- ۲- مقابله روسیه با یکجانبه گرایی آمریکا ..... ۱۵۰
- ۲-۱- روسیه و آمریکا در خاورمیانه ..... ۱۵۳
- ۲-۲- راهبرد چند جانبه گرایی و تأکید بر حقوق بین الملل ..... ۱۵۹
- ۲-۳- اهرم سازی خاورمیانه در مقابله با آمریکا ..... ۱۶۲
- جمعبندی ..... ۱۶۷
- نتیجه گیری** ..... ۱۶۸
- منابع و مآخذ ..... ۱۷۳

# فهرست جدول

صفحه	عنوان
۴۸	جدول ۳-۱- میزان تورم در روسیه
۴۸	جدول ۳-۲- رشد تولید ناخالص داخلی
۴۹	جدول ۳-۳- نرخ بیکاری در روسیه
۴۹	جدول ۳-۴- میزان فقر در روسیه
۷۶	جدول ۴-۱- حجم صادرات و نوع صادرات روسیه
۷۸	جدول ۴-۲- اقتصاد روسیه
۸۳	جدول ۴-۳- صادرات تسلیحات روسیه

# فهرست نمودار

صفحه	عنوان
۵۸.....	نمودار ۳-۱- روند های جمعیت شناختی روسیه
۸۸.....	نمودار ۴-۱- صادر کنندگان تسلیحات متعارف به خاورمیانه
۹۲.....	نمودار ۴-۲- دریافت کنندگان تسلیحات متعارف بزرگ در خاورمیانه

# فصل اول

طرح تحقیق

## بیان مسئله

سیاست خارجی روسیه به تبع تحولات داخلی و اوضاع اقتصادی- سیاسی و امنیتی این کشور بستر

تحولات و تغییرات متنوع گردیده است، روسیه جدید به عنوان کشوری متمایز از امپراتوری تزاری و اتحاد شوروی معرفی گردید. با ریاست جمهوری ولا دیمیر پوتین در روسیه، نقش و حضور این کشور در عرصه های مختلف سیاست بین المللی افزایش یافت. در حقیقت روسیه پس از عبور از یک دوره گذار و فائق آمدن بر مشکلات و تنگناهای اقتصادی و نیز دستیابی به نظم و ثبات داخلی خود را در شرایط یک قدرت در حال بازسازی و تجدید حیات یافته می بیند. روسیه در این شرایط می کوشد تا بار دیگر جایگاه خود را به عنوان یک قدرت بزرگ و تأثیر گذار در نظام بین الملل باز یابد. تمایلی که آن را باید گرایش تاریخی در فرهنگ سیاست خارجی روسیه قلمداد کرد.

پوتین علی رغم گرایش شدید به رویکرد امنیتی- راهبردی اوراسیاگرایی که ریشه در فرهنگ و ژئوپلتیک خاص روسیه دارد، این تعبیر از آندره کوزیرف (Kreutz, 2007) را که روسیه باید منافع ملموس را در نظر بگیرد و دگم های ایدئولوژیک را کنار بگذارد به صورت عملیاتی در دکترین سیاست خارجی خود اعمال نموده است، بنابراین رویکرد پوتین را می توان رویکردی عملگرایانه دانست.

خاورمیانه و موضوعات مختلف معطوف به آن، یکی از مسائلی است که مسکو به ویژه در دوران ریاست جمهوری پوتین توجه زیادی به آن داشته است. پوتین در زمانی به قدرت دست یافت که تحولات جدیدی



چون ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، اشغال عراق و افغانستان و بحران هسته ای ایران و ... در محیط بین المللی رخ نداده بود .

رشد اسلامگرایی رادیکال و مسئله تروریسم که پس از آن دنیا را با خود درگیر ساخت تأثیر به سزایی در خط مشی سیاست خاورمیانه ای روسیه به جای گذاشت. امنیت روسیه از تحولات امنیتی خاورمیانه به علت همجواری و پیوندهای تاریخی به شدت متأثر است، بدین معنا که بروز هر گونی اختلال در صلح و ثبات منطقه خاورمیانه ممکن است بر امنیت روسیه تأثیر گذار بوده و قطع نظر از زیان های اقتصادی می تواند این کشور را وارد منازعاتی دامنه دار سازد . رشد گروه های اسلام گرای رادیکال در کشورهای جدید التأسیس آسیای مرکزی و قفقاز و بحران پیش روی مسکو در دو جنگ با جدایی طلبان اسلامی چچن می تواند تهدید گسترده ای را در منطقه منافع ژئواستراتژیک روس ها (خارج نزدیک) در پی داشته باشد . پوتین بلفگرش عمگرایانه در سیاست خارجی خط مشی متفاوتی را در رقبال این منطقه اتخاذ نمود . وی بهبود اوضاع اقتصادی را در صدر برنامه های خود قرار داد - این هدف برای فائق آمدن بر آشفتگی و بحران پس از فروپاشی در حوزه اقتصادی و اجتماعی دنبال می شد - خاورمیانه یک بازار اقتصادی مهم برای اقتصاد روسیه تلقی می شد . فروش تسلیحات و تأثیر گذاری بر بازار انرژی سهم مهمی را در روابط تجاری روسیه با خاورمیانه دار بوده و هست . از سوی دیگر با حضور گسترده تر آمریکا در منطقه خاورمیانه و همچنین فشار ناتو در جهت گسترش به سمت شرق و عضو گیری از میان کشورهای همجوار روسیه منافع حیاتی استراتژیک روس ها را در معرض تهدید قرار داده است . پوتین با طرح استراتژی های امنیت ملی مقابله با برنامه های غرب و آمریکا را در اروپای شرقی و خارج نزدیک به عنوان یک امر حیاتی قلمداد کرده و وی به شکلی غیر رسمی از طریق موازنه سازی در خاورمیانه و همگامی با کشورهای مخالف با ایالات متحده آمریکا این سیاست را دنبال می نمود . این فضا نمایان گر راهبردها و سیاست های امنیتی، سیاسی و اقتصادی متفاوت روسیه پوتین در خاورمیانه است . فروپاشی شوروی

به ظهور کشورهایی از جمله فدراسیون روسیه در نظام بین الملل منجر شد که با مسئله انطباق با واقعیت های جدید، بازتعریف جایگاه و بازبینی رویکردهای سیاست خارجی خود در هر دو محیط داخلی و خارجی مواجه شدند. روسیه پس از فروپاشی اتحاد شوروی دچار تشتت و آشفتگی اوضاع داخلی و خارجی گردید. تعدد بازیگران و نهادهای دخیل با کارکردها و وظایف هم پوشان و فقدان مکانیسم کنترل و هماهنگی شاخص این دوره بود. یوروآتلانتیسم<sup>۱</sup> گفتمان سیاست خارجی دهه ۱۹۹۰ روسیه بود. روسیه که با بحران شدید اقتصادی و فساد در دستگاه داخلی مواجه بود با گرایش به غرب خواستار دریافت کمک های مالی و صنعتی جهت بهبود اوضاع خود گردید. تیم حاکم بر دستگاه سیاست خارج ی روسیه در این دوران به رهبری یلتسین و کوزیرف<sup>۲</sup> نگرش نگاه به غرب را در سیاست های خود دنبال می کردند. هرج و مرج کثرت گرایانه سیاست خارجی روسیه که نشأت گرفته از متغیرهای داخلی بود پی گیری اهداف و راهبردهای مشخص و هدفمند را با مشکل مواجه می ساخت، اما آنچه می شد در این دوران از سیاست های روسیه در سطح نظام بین الملل نتیجه گرفت نوعی انزوای گرایانه همراه با انفعال در اقدام بود. سیاست خارجی روسیه تا اواخر دهه ۱۹۹۰ در منطقه خاورمیانه نیز به شرایط دوگانگی و انفعال دچار بود. مسکو طی این دوران با واقعیت های جدیدی مواجه بود که نقش و جایگاهش در نظام بین الملل را از گذشته متمایز می ساخت. بر آمدن یک نظام تک قطبی با الزامات ساختاری خاص خود در سطح نظام بین الملل، تحدید حدود و مرزهای روسیه و به عقب رانده شدن نفوذ روس ها تا مرزهای خود پس از دویست سال سیطره بر اروپای شرقی و خارج نزدی ک در دوره های امپراتوری تزاری و امپراتوری اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی، گسترش ناتو به شرق و طرح الزاماتی برای نفوذ روس ها در

---

<sup>۱</sup> - Euro atlantism

<sup>۲</sup> - Yeltsin and Kozyrev

نواحی مذکور و ... از آن جمله بود. این شرایط تا برآمدن ولادیمیر پوتین<sup>۱</sup> روس ها را نگران آینده این ضعف و انفعال برای حاکمیت و قدرت دیرینه خود می ساخت. «از آغاز ریاست جمهوری پوتین تحولی مثبت در سیاست خارجی روسیه، از آرمان گرایی به واقع گرایی، از بی ثباتی به ثبات نسبی و از رهیافت های غیر عقلایی به عقلایی صورت پذیرفت» (کولایی، ۱۳۸۷: ۲۳).

«پوتین بر اساس رویکرد عمل گرایانه<sup>۲</sup> خود با قبول جایگاه، ظرفیت و توانمندی های واقعی روسیه در نظام بین الملل مبنای تعریف هویت روسیه در نظام بین الملل اهتمام داشته و تلاش کرده فرآیند تغییر منزلت این کشور در نظام بین الملل را با رویکردی محیطی و با سازگاری با قواعد و هنجارهای سه متغیر عمده سیستمی؛ ساختار نظام بین الملل، تعهدات بین الملل و جایگاه ساختاری در روندی تدریجی محقق سازد. او با این ملاحظه سه اصل نوسازی اقتصادی، دستیابی به جایگاهی بایسته در فرآیندهای رقابت جهانی و بازسازی جایگاه روسیه به عنوان یک قدرت بزرگ<sup>۳</sup> را مبنای سیاست خارجی خود قرار داد (Trenin, 2004: 24).

«پوتین با تغییر نگرش سیاست خارجی روسیه از یوروآتلانتیسم به اوراسیانیسم<sup>۴</sup> و نگاه به شرق دستور کار سیاست ها را تغییر داد. دولت مردان پوتین از دست دادن برخی مناطق سنتی نفوذ روسیه از جمله در حوزه بالتیک و قفقاز جنوبی را ضربه ای به پرستیز و نفوذ سیاسی آن در این حوزه ها و در سطح بین المللی ارزیابی می کردند. اقدامات روسیه طی این دوران برای اعمال تأثیر بر روندهای سیاسی متعدد در سطح نظام بین الملل از جمله در باب پرونده هسته ای ایران، کره شمالی، حوزه خارج نزدیک<sup>۵</sup> (به ویژه اکراین و گرجستان) و به طور

<sup>1</sup>- Vladimir Putin

<sup>2</sup>- Pragmatic

<sup>3</sup>- Great power

<sup>4</sup>- Eurasia

<sup>5</sup>- Near Abroad

خاص رویکرد جدید پوتین به خاورمیانه نمونه هایی از تلاش این کشور برای بازیابی نفوذ سیاسی خود در حوزه های منطقه ای و عرصه بین المللی است» (کولایی و نوری، ۱۳۸۶: ۹۹).

«اسلامبک اسلاخنوف<sup>۱</sup> مشاور پوتین، در خصوص رویکرد جدید روسیه به خاورمیانه می گوید : روسیه یک قدرت بزرگ جهانی است و نمی تواند نسبت به تحولات مهم عرصه بین المللی بی اعتنا باشد . کشورهای خاورمیانه و جهان اسلام شرکای اقتصادی، همکاران حوزه انرژی و مشتریان سخت افزارهای نظامی روسیه هستند و روسیه مایل است در معاملات این منطقه نقش برجسته تری ایفا کند» (نوری، ۱۳۸۷: ۱۱۱).

در این پژوهش سعی بر آن است که در چارچوب این رویکرد جدید به بررسی اهداف سیاست خارجی روسیه در خاورمیانه در دوران پوتین پردازیم . سه متغیر اساسی در بررسی اهداف روسیه در خاورمیانه مورد نظر قرار گرفته است که در این چهارچوب اهداف مسکو در این منطقه مورد تحلیل و بررسی قرار می گیرد. این متغیرها مشتمل بر موارد ذیل می باشد:

«۱- احیا و بسط هر چه بیشتر نفوذ روسیه در خاورمیانه و معرفی خود به عنوان نیروی متوازن کننده غرب در این منطقه.

۲- پیگیری منافع اقتصادی به ویژه در بخش غیر نفتی از جمله تسلیحات نظامی و در بخش انرژی تأثیر گذار ی بر بازار نفت و گاز خاورمیانه.

۳- کاستن از میزان حمایت کشورهای اسلامی از جدائی طلبان چیچنی» (Miroiu, 2007: 14).

«سیاست خارجی جدید روسیه بر دو اصل مبتنی است : "پراگماتیسم" و "اقتصادی کردن سیاست خارجی". طی این دوران روسیه تحیل واقع گرایانه تری از شرایط بین المللی و اهداف خود داشته است «

---

<sup>1</sup> - Aslambek Aslakhnov

(شرافت, ۱۳۸۳: ۱۶۲). این دو متغیر برآمده از شرایط داخلی و محیط خارجی در چارچوب استراتژی های امنیتی روسیه هدایت گر سیاست های مسکو در مناطق مختلف و نظام بین الملل بوده است. در این راستا فهم و درکی روشن تر از تهدیدات امنیتی روسیه می تواند در بررسی اهداف سیاست خارجی روسیه پوتین در خاورمیانه راهگشا باشد. اساساً اگر بخواهیم تهدیدات امنیت ملی روسیه را در آستانه ورود به قرن بیست و یکم که با حملات ۱۱ سپتامبر و تغییر در استراتژی ها و سیاست های امنیتی و نظامی غرب به ویژه آمریکا مطرح گردید بشماریم، می توان آنها را به طور کلی در پنج عرصه مهم ذکر نمود:

گسترش ناتو به سمت شرق

دفاع موشکی و پیمان ABM

تروریسم و بنیادگرایی

اقتصاد آشفته

خارج نزدیک (حجازی, ۱۳۸۳: ۳۵۴).

در این پژوهش در ضمن بررسی اهداف روسیه در خاورمیانه به تحلیل پیوند عوامل مذکور و میزان تأثیرگذاری آن بر سیاست خاورمیانه ای روسیه در دوران پوتین و چالش ها و فرصت های آن خواهیم پرداخت. همچنین در ادامه پژوهش طی فصول متمایز به بررسی و تشریح اهداف سیاست خارجی روسیه در دوران پوتین در خاورمیانه خواهیم پرداخت.

## سوال تحقیق :

اهداف سیاست خارجی روسیه در خاورمیانه در دوران ولادیمیر پوتین چه بوده است؟

## فرضیه :

اهداف سیاست خارجی روسیه در خاورمیانه در دوران پوتین، تامین و توسعه منافع اقتصادی، مقابله با

نفوذ یکجانبه و گسترده آمریکا در خاورمیانه و جلوگیری از نفوذ و گسترش بنیادگرایی اسلامی در خا

نزدیک بوده است.

## پیشینه موضوع

آندری کرتز<sup>۱</sup> (Kreutz, 2007) در کتابش تحت عنوان "روسیه در خاورمیانه: دوست یا دشمن" به موضوع سیاست خارجی روسیه در منطقه خاورمیانه می پردازد. وی با بررسی پیشینه روابط روسیه از دوران شوروی به ویژه دوران حکومت گورباچف به بعد و دوران یلتسین، دوره سیاست مداری پوتین را واکاوی کرده و سطح روابط گسترده تر اقتصادی، سیاسی و نظامی مسکو را با کشورهای عربی خاورمیانه تشریح می کند، وی به خصوص روابط پوتین با کشورهای اسلامی و گسترش آن را در تمامی فصول به تحلیل گذاشته است. کرتز معتقد است مسکو در خاورمیانه در صدد مواجهه با ایالات متحده و غرب نیست. به عکس روس ها علاقه مند به صلح و ثبات در مناطق مجاور مرزهایشان هستند وی نمونه این نگرش را در برخورد دوستانه روسیه از یک سو با اسرائیل و از سوی دیگر با اعراب می داند. از نظر کرتز مسئله اسلامگرایی خاورمیانه و فروش تسلیحات به کشورهای ثروتمند منطقه در سیاست خارجی روسیه از اهمیت دو چندانی نسبت به بقیه موضوعات برخوردار است و اساساً سیاست خاورمیانه ای روسیه حول این دو موضوع می چرخد.

جفری کمپ و پل ساندرز<sup>۲</sup> (Kemp and Saunders, 2003) در مقاله ای تحت عنوان "آمریکا، روسیه و خاورمیانه بزرگتر: فرصت ها و چالش ها" به طور مفصل به بررسی نحوه تعامل دو ابر قدرت در چهار مقطع جنگ جهانی دوم، جنگ سرد، دوره پس از فروپاشی شوروی و در نهایت حوادث بعد از ۱۱ سپتامبر در منطقه خاورمیانه می پردازند. اینان به بررسی منافع روسیه در ابعاد مختل ف سیاسی، اقتصادی و امنیتی - استراتژیک می پردازند و همکاری بی سابقه آمریکا و روسیه را در قبال مبارزه با تروریسم مورد تحلیل و بررسی

---

<sup>1</sup> - Andre Kreutz

<sup>2</sup> - Geoffrey Kemp and Paul Saunders

قرار می دهند. در این نوشته همچنین نقش روسیه در معادلات خاورمیانه و جدال اعراب و اسرائیل از یک سو و توان تأثیرگذاری مسکو بر بازار انرژی جهان از طریق نفوذ در منطقه خاورمیانه مورد بررسی قرار می گیرد.

گابریل گوروستکی<sup>۱</sup> (Gorodetsky, 2003) در کتابش تحت عنوان "روسیه بین شرق و غرب؛ بررسی

سیاست خارجی روسیه در آستانه قرن ۲۱ با طرح این سوال که آیا روسیه به کشوری جهان سومی تبدیل شده یا با توجه به منابع انسانی فراوان و سلاح های استراتژیک و هسته ای، همچنان قدرت بزرگ بین المللی است؟ به بررسی سیاست خارجی روسیه در دوران پوتین می پردازد این نویسنده رویکرد سیاست خارجی پوتین را عملگرایی مثبت و فعال می داند. وی با طرح سه مسئله عمده داخلی روسیه یعنی اقتصاد، امنیت و اوضاع سیاسی-اجتماعی و تأثیر و پیوند آن با محیط بین المللی، به بررسی سه چالش امنیتی، سیاسی و اقتصادی سیاست خارجی روسیه در نظام بین الملل می پردازد. وی معتقد است بعد از فروپاشی شوروی، سیاست خارجی روسیه نسبت به خاورمیانه چندان تغییر نیافت. روسیه ملاحظات سیاسی و اقتصادی را همزمان دنبال می کرد فروش تسلیحات و تأثیرگذاری بر بازار انرژی جهان از طریق نفوذ در خاورمیانه از بعد اقتصادی و اسلامگرایی خاورمیانه از بعد امنیتی و سیاسی نقطه تمرکز بحث این کتاب در باب سیاست خارجی روسیه در خاورمیانه را تشکیل می دهد.

ایگور خرستین و جان الیوت<sup>۲</sup> (Khrestin and Elliot, 2006) در مقاله ای با عنوان "روسیه و خاورمیانه"

با طرح این سوال که جایگاه مسکو در مقابل اسلام گراها و نبرد جهانی بر علیه تروریسم کجاست؟ همکاری شکننده میان روسیه با آمریکا را قابل پیش بینی و متصور دانستند معتقدند با توجه به خط مشی سیاست خارجی تهیه شده در ژوئن ۲۰۰۰ مورد تأیید پوتین اولویت اقتصادی مسکو در قبال خاورمیانه از یک سو و عملگرایی پوتین در ترمیم نقش و جایگاه روسیه به هر قیمت اجازه ادامه همکاری با ایالات متحده را نمی دهد

---

<sup>1</sup> - Gabriel Gorodetsky

<sup>2</sup> - Igor Khrestin and John Elliot



جورج فریدمن<sup>۱</sup> (Freidman, 2006) در مقاله ای با عنوان خاورمیانه و بازی جدید روسیه از نگاهی

متفاوت به حضور روسیه در خاورمیانه می پردازد، فریدمن با طرح نگرش روس ها نسبت به خارج نزدیک و گسترش حضور و نفوذ آمریکا و غرب به رهبری ناتو در حیطه مزبور معتقد است که نخبگان روس کوشیده اند تا باالاعنہوذ خود در منطقه خاورمیانه و در جہتی مغایر با حضور آمریکا در این منطقه یک هدف مهم را دنبال نمایند و آن تحدید نفوذ آمریکا می باشد به بیان دیگر، همان گونه که واشنگتن بدون رعایت منافع روسیه وارد منطقه پیرامونی و حیات خلوت آن کشور گردیده است و به تقویت و حمایت از رژیم های غربگرا همچون گرجستان می پردازد، روسیه نیز تلاش دارد تا با تحکیم روابط خود با دولت هایی نظیر ایران، سوریه و دولت جدید فلسطینی به رهبری حماس و با نزدیک شدن بیشتر به متحدان سنتی آمریکا در منطقه خاورمیانه آمریکا را در وضعیت مذاکره پذیری قرار داده و با این موازنه سازی نفوذ این کشور را در خارج نزدیک و خاورمیانه با محدودیت مواجه سازد

علیرضا نوری (نوری، ۱۳۸۶) در پایان نامه کارشناسی ارشد خود با عنوان "عمل گرایی پوتین و فرآیند

شکل گیری اجماع و سازگاری در سیاست خارجی روسیه" به مطالعه سیاست خارجی روسیه با عنایت به ابعاد داخلی و بستر خارجی آن می پردازد. وی می نویسد روسیه در دوره پوتین خود را قدرتی در حال احیا می دانست که ظرفیت های آن در حال ارتقا بود و به تبع آن فرصت های جدیدی برای تغییر جایگاه در سیستم بین الملل فراهم می آورد. پوتین با رویکردی واقع بینانه ضمن قبول جایگاه، ظرفیت و توانمندی واقعی روسیه در نظام بین الملل تلاش کرد با توجه لازم به ملزومات محیط خارجی و با شناخت صحیح منافع ملی در فضای متغیر بین المللی فرآیند تغییر منزلت این کشور را طی یک روند و به تالیج محقق سازد.

---

<sup>1</sup> - George Freidman

## اهداف تحقیق

با توجه به همجواری روسیه با کشورمان ایران و پیشینه تاریخی استعماری و توسعه طلبی روس ها در مرزهای ایران، همکاری های گسترده و متعدد سردمداران کرملین طی سالهای اخیر در حوزه های نظامی و توانایی هسته ای با ایران، پی گیری سیاست های انبساطی مسکو در منطقه خاورمیانه ما را بر آن می دارد تا با شناخت صحیح و دقیق اهداف و منافع روسیه در منطقه خاورمیانه بتوانیم برنامه ها و طرح های سیاست خارجی آنها را در خاورمیانه با وضوح بیشتر تشخیص داده و با درک فرصت ها و چالش هایی که سیاست روس ها برای ما ایجاد خواهد کرد نگاهی بازتر در سیاست گذاری خارجی خود داشته باشیم.

اهداف این تحقیق بطور خاص شامل :

تبیین اهداف سیاست خارجی روسیه در دوران پوتین در خاورمیانه

و تبیین و توضیح فرصت ها و چالش های سیاست خارجی روسیه در منطقه خاورمیانه می باشد .

## روش تحقیق

روش تحقیق در این پژوهش توصیفی و تحلیلی است . توصیف به معنای پرداختن به روابط درونی پدیده ها و شناسایی آن و هم چنین تشریح آن پدیده ها و عوامل موثر بر آن و تحلیل به معنای بررسی علت انگیزه ها و در واقع زمینه های ظهور و بروز پدیده های مورد نظر است . با توجه به ماهیت و موضوع مورد مطالعه، گردآوری اطلاعات از روش کتابخانه ای (کتاب، مجلات، مقالات، گزارش ها و روزنامه های خبری) و اینترنتی (مقالات و اطلاعات آماری) با تکیه بر داده های تاریخی و شواهد و قرائن موجود و با استفاده از تحقیقات انجام گرفته به وسیله دیگر متخصصان حوزه مزبور صورت پذیرفته است .

## تعریف مفاهیم

سیاست خارجی<sup>۱</sup>: عبارت از یک استراتژی ملی یک رشته اعمال از پیش طرح ریزی شده توسط تصمیم گیرندگان حکومتی که مقصود آن دستیابی به اهداف معین در چهارچوب منافع ملی و در محیط بین المللی است (پلنو و آلتون, ۱۳۷۹: ۸۰-۷۲). به طور خلاصه می توان گفت که سیاست خارجی شامل تعیین و اجرای یک سلسله اهداف و منافع ملی است که در صحنه بین المللی از سوی دولت ها انجام می پذیرد . سیاست خارجی می تواند ابتکار عمل یک دولت و یا واکنش آن در قبال تنش دیگر دولت ها باشد . در تحلیل واقع گرایانه آنچه در نهایت هدف اساسی تصمیم گیرندگان سیاست خارجی است منافع ملی می باشد. این مفهوم که در رابطه با محیط خارجی معنا می یابد نیازها و امیال حیاتی یک کشور است . آنچه را می توان جزو منافع ملی هر کشور به حساب آورد عبارتست از صیانت از خود، استقلال عمل، وحدت قلمرو، امنیت نظامی و وضع مطلوب اقتصادی (خوشوقت, ۱۳۷۵: ۹۲).

منافع ملی<sup>۲</sup>: مفهوم منافع ملی، مفهوم پیچیده ای است که می توان آن را به عنوان منافع واحد معین اجتماعی- سیاسی (سطح دولتی خود تنظیم ) تعریف کرد که تعادل عناصر منافع شخصیت، گروه و کل اجتماعی در سرزمین خاص در زمان معین تاریخی را منعکس می کند و با منافع واحدهای اجتماعی- سیاسی دیگر در ارتباط است. مفهوم منافع ملی همچنین منعکس کننده سطح معین آگاهی اجتماعی است . این مفهوم به صورت کاربردی به عنوان اساسی است برای تصمیم گیرندگان دولت در زمینه سیاست خارجی، تعبیر فشرده

---

<sup>۱</sup> - Foreign Policy

<sup>۲</sup> - National interest

اهداف و مقاصد دولت در صحنه بین المللی با عنوان وسیله حمایت برخی اقدامات در زمینه سیاست خارجی می باشد. (زادوخین، ۱۳۸۴: ۱۶۰-۱۴۴).

اهداف، هدف ها: اصطلاحی است که برای مشخص ساختن مقاصد کنشگران در تحلیل سیاستگذاری به کار می رود. در واقع در برخی برداشت ها دو اصطلاح اهداف و مقاصد (objective) به یک معنا به کار می روند. تحلیل سنتی در نوشته های مربوط به روابط بین الملل معمولاً این مسئله را با انگاره منافع ملی معادل قلمداد می کرد «آرنولد ولفرز» در مقاله خود در مورد اهداف (۱۹۶۲) این رهیافت را به نقد می کشد بحث و لفرز این بود که اهداف را باید متغیرهایی معنادار تلقی کرد که می توان تفسیر بسیار متفاوتی از آنها داشت و لفرز در تقسیم بندی معروف دو وجهی خود اهداف را به دو گونه تقسیم می کند: اهداف مربوط به داراییها<sup>۳</sup> و اهداف مربوط به پیرامون یا محیط<sup>۴</sup>. اهداف مربوط به داراییها اهدافی هستند که به کسب ارزشهای کنشگر (به عنوان نمونه امنیت و رفاه اقتصادی) مربوط می شوند و اهداف مربوط به پیرامون یا محیط اهدافی هستند که با کسب ارزشهایی در ورای مرزهای ملی در ارتباط اند (مانند امنیت زیست محیطی یا اصلاح نظام ملل متحد عامل هزینه و عامل زمان در صورت بندی و اجرای اهداف دو متغیر بسیار مهم هستند اهدافی که بمعنوان ارزشهای اصلی<sup>۵</sup> بیان می شوند ممکن است ارزش پرداخت هر بهایی را داشته باشند. زمان نیز متغیری مهم است. بسیاری از اهداف در زمینه های میان مدت و بلند مدت تعریف می شوند» (ایوانزونونام، ۱۳۸۱: ۳۱۲).

---

1- Goals

2- Arnold wolfers

3- Possession Goals

4- Milien Goals

5- Core Values